

الگوی رفتاری جنگ روانی آمریکا علیه ایران مبتنی بر نحوه تدبیر دولت و مجلس برای اقتصاد تغییر می‌کند

کنترل التهاب اقتصاد شرط تضعیف فشار آمریکا

بازرسی برای دونقطه جدید از سوی تهران، شرایط برای ایران بسیار بدتر می‌شود، توصیفی که احتمالاً توضیح دهنده تلاش برای ارسال گزارشی از شورای حکام به شورای امنیت سازمان ملل است.

مجموعه فعالیت‌های آمریکا علاوه بر یکی، دوحوزه ذکرشده، در روزهای اخیر همه فعالیت‌های ایران برای فاصله گرفتن از فضای کنونی را هم شامل شده است. شاهدیم که موضوع قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین یا مجموعه همکاری‌هایی که میان تهران و مسکو در حال شکل‌گیری و تداوم است، مورد حمله و فشار مقامات کاخ سفید قرار گرفته و آنها تلاش می‌کنند با فشارهای سیاسی و امنیتی مانع ایجاد روابط اقتصادی جدید برای تهران شوند، اقداماتی که از سوی آمریکایی‌ها به‌ویژه در مقطعی که هم به‌خاطر نزدیک‌بودن انتخابات ریاست‌جمهوری هم به‌دلیل فرارسیدن اولین بندغروب توافق هسته‌ای تحت فشار هستند، شدت گرفته است.

چه باید کرد؟

در این میان خیلی‌ها معتقدند امکان عبور ایران از چنین فضایی نه‌تنها محتمل، که شدنی و قطعی است، منوط به اینکه مسئولان اجرایی دولت عزم اقدامات دقیق، علمی و سریعی را داشته باشند. «فرهیختگان» پیش از این درباره امکان خروج از وضعیت کنونی مطالبی منتشر کرده بود که خلاصه برخی از آنها رجوع به بازار مسکن و اقدام به افزایش تولید بافت شهری، مدیریت بورس به‌نفع مجموعه‌های تولیدی و باز شدن دست کارآفرینان و تولیدکنندگان و نکاتی از این دست بود. حالا اما با توجه به اینکه دستگاه عملیات روانی و رسانه‌ای غرب با تمام قوا در حال فعالیت است و از



رژیم صهیونیستی و گروه‌های معاند غول‌های بی‌شاخ و دمی می‌سازد که درون کشور هرکرای بخوانند می‌توانند انجام دهند و حکومت و مردم هم توانی برای برخورد با آنها ندارند.

اقدامات ضدایرانی در فضای بین‌المللی

در آشفته‌بازار اقتصاد داخلی، در مرتبه کلان‌تری از آن چیزی که گروه‌های تروریستی تلاش می‌کنند در کشور انجام دهند، آمریکا همچنان به تلاش‌های خود برای فشار به ایران می‌افزاید و متأسفانه باید گفت مشکلات اقتصادی در داخل هم آنها را امیدوار به نتیجه‌بخش بودن فشار حداکثری می‌کند، همان‌طور که برایان هوک جندی پیش به‌صراحت گفت و ابراز امیدواری کرد قبل از پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ در دور اول، ایران مجبور به کوتاه آمدن بشود. علاوه بر مجموعه تلاش‌های آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل برای گرفتن یک قطعنامه ضدایرانی در خصوص تمدید تحریم‌های تسلیحاتی آورده شده ذیل قطعنامه ۲۲۳۱، کاخ سفید مشغول ساماندهی حرکاتی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که با طی آن بتواند دلیلی بر ادعای خود در خصوص لزوم تمدید تحریم‌های تسلیحاتی اقامه و کشورهای عضو را با خود همراه کند.

بعد از آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تکیه بر اسنادی که رژیم صهیونیستی ادعا می‌کند توانسته با استفاده از فرآیند جاسوسی از ایران به‌سرتقت برسد، توانسته با مشارکت اروپا و آمریکا در شورای حکام قطعنامه‌ای علیه ایران مصوب کند، حالا افاصل گروسی، دبیرکل نزدیک به کاخ سفید آژانس تهدید کرده در صورت عدم صدور مجوز

فرمانده نیروهای قدس سپاه و همراهانش از جمله ابومهدی المهندس جانشین فرماندهی نیروهای مقاومت مردمی عراق قرار دارد که مهم‌ترین اقدام عملی آمریکا در کنار ماجرای تحریم‌ها بود و اگر مشخص شود ماجرای نطنز هم جزئی از اقدامات مستقیم و خرابکارانه آمریکا یا رژیم صهیونیستی بوده آن هم دومین اتفاق است و البته ترور جهادگر بسیجی در اورامان یا بمب کنار جاده‌ای که جندی پیش در یکی از مسیرهای مواصلاتی استان سیستان و بلوچستان منفجر شد و مابقی آنها. به این موارد اضافه کنید دستگیری چند گروهک تروریستی و اعضای گروهک منافقین در روزهای اخیر در استان‌های فارس، خراسان رضوی و خوزستان که همگی نشان می‌دهد این دست گروهک‌ها بیشتر از قبل فعال شده و تلاش می‌کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند.

دومین مجموعه اتفاقات وقایعی هستند که رسانه‌های غربی و عربی به اضافه رژیم صهیونیستی تلاش می‌کنند از آنها به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات موثر سرویس‌های بیگانه درون کشور نام ببرند و بگویند که این وقایع، حادثه‌های عادی نبوده است. برای مثال انفجار گاز آکسیژن در مرکز جراحی سینا مهر شمیران در تهران، آتش‌سوزی پارک‌های جنگلی حاشیه تهران یا جنگل‌های برخی نقاط کشور، انشاق یکی از نیروگاه‌های اهواز و چندین و چند مورد دیگر که یا به‌دلیل گرمای هوا بوده یا خطای انسانی یا فرسودگی تجهیزات همه و همه نمونه‌هایی هستند که دشمنان کشور می‌خواهند از آنها استفاده سیاسی و امنیتی کنند و به‌دروغ بگویند که کار ما بوده است!

این عملیات روانی و رسانه‌ای علاوه بر ملت‌بند و متزلزل نشان دادن فضای کشور، از

فرهیختگان وقایع و اتفاقات ریز و درشت روزها، هفته‌ها و شاید چندماه اخیر غیرطبیعی‌تر از آن است که غیرمرتبط به‌هم به‌نظر برسند، هرچند نمی‌توان عقلا و منطقی‌بین همه آنها ارتباط سیستماتیک برقرار کرد و صرفاً باید گفت که وجود یک یا چند اتفاق ممکن است (و اینجا به احتمال فراوان) باعث ایجاد زمینه برای برخی وقایع دیگر شود. لذا همین ابتدا باید باصراحت توضیح دهیم که این نگاه دقیقاً مقابل نگاهی است که فعالان رسانه‌ای و سیاسی غربی دارند؛ آنهایی که حوزه فعالیت‌شان ایران و مسائل غرب آسیا است و تلاش می‌کنند رطب و بایس را به‌هم بیافند و از ایجاد ارتباط غیرمنطقی میان حوادث و اتفاقات، ماهی خود را بگیرند.

ماجرای کجا شروع شد؟

بگذارد توضیح ماجرا را از پاییز و زمستان سال ۱۳۹۵ شروع کنیم، اگر خاطران باشد در آن سسال و در مجمع عمومی سازمان ملل رئیس‌جمهور صراحتاً از عدم همکاری ایالات متحده برای رفع تحریم‌های ایران و حل مشکل اقتصادی کشور در مسیر اجرای برنامه خبر داد و رسماً گلایه خود را در سخن و حاشیه سازمان ملل اعلام کرد. البته مدتی بود که بی‌تدبیری‌های دولت یازدهم نشانه‌هایی در وضعیت اقتصادی درون کشور به‌جا گذاشته بود، اما این اثر آنچنان عمیق و گسترده نبود که به‌صورت ملموس برای همه و در سطوح وسیع قابل مشاهده و درک باشد. در آن ایام و چندی بعد از آن؛ تحولات سیاسی به‌اضافه نتایج رسانه‌ای حاصل از انعقاد توافق هسته‌ای مزید بر علت هم بود تا مشکلات رخ نمایند.

بخشی از این چالش البته در وقایع دی‌ماه ۱۳۹۶ بروز کرد، اما به‌رحال آن وقایع هم با چاشنی اغتشاشی که دشمنان به آن اضافه کردند، پایان یافت. در اردیبهشت سال ۹۷ و زمانی که ترامپ از برجام خارج شد، شرایطی پدید آمد تا تحریم‌های سنگین و بی‌سابقه بین‌المللی (که البته آنها تنها بخشی از پازل فشار حداکثری به ایران بودند و بعدها با اقدامات دیگری از جانب آمریکا و متحدانش توسعه یافتند) با ناآرامی و بی‌تدبیری در مدیریت کشور به‌ویژه در عرصه مسائل اقتصادی همراه شده و به‌تدریج مشکلات قابل‌توجهی برای معاش و زندگی مردم پدیدآید. این مشکلات با تداوم اصرار دولت بر استفاده از ظرفیت‌های خارجی و بیش از یک‌سال‌ونیم منتظر ماندن برای اقدامات اروپایی‌ها بیشتر و بیشتر شد تا کار به‌جایی رسید که حتی با اقدامات مختلف در داخل هم امکان مقابله موثر با فشارها در کوتاه‌مدت بسیار کم شده بود.

عامل سوم هم اضافه شد

به این دو عامل یعنی بی‌تدبیری در اداره کشور تحریم‌های سنگین آمریکا باید عامل سوم و متاخری را هم اضافه کرد، داستان آیدمی و ویروس کرونا که از زمستان گذشته تقریباً همه جهان را درگیر خود کرده، چالش‌های مضاعفی در کشور به‌جا گذاشته است. ناگفته نماند در مدیریت کرونا هم دوباره بی‌تدبیری داخلی بود که وضعیت را بغرنج کرد و امکان مقابله را به‌تاخیر انداخت. حالا در چنین وضعیتی که هر سه تهدید یادشده فعال هستند، زمینه‌بروز اتفاقات و حوادث در کنار عملیات‌های برنامه‌ریزی شده و هدفمند مجموعه‌ای را ایجاد کرده تا شرایط اجتماعی متزلزل شود. وقایع البته یکی، دوتا نیست، اما می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

اول وقایع عمدی و برنامه‌ریزی شده: در راس همه این اتفاقات ترور سردار سلیمانی

گفت‌وگو

خوش‌چهره در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

وجود اراده داخلی برای افزایش قیمت‌ها مشهود است

سیاست‌های متناقض اقتصادی کنار گذاشته شوند

موفقیت در مقابله با تحرکات دشمن

نیازمند تصمیم‌گیری‌های به‌موقع است

خوش‌چهره با تاکید بر اینکه توانمندی مدیریتی برای مقابله با آنچه در جبهه دشمن رصد شده نیازمند تصمیم‌گیری‌های به‌موقع است، گفت: «توانمندی برای مهار بازار ارز، سپس کنترل آن و در قدم بعدی کم‌اثر و بی‌اثر کردن این بحران بسیار مهم است، از این رو مدیریت توانمند می‌تواند پس از رصد، مهار و کنترل آن را به فرصت تبدیل کند که این مرحله نیازمند تک‌توانمندی فوق‌العاده مدیریتی است.» استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: «برخی از مدیران بدون اینکه مسائل را درک کرده باشند ابعاد آن را مطرح کرده و مدعی می‌شوند ما تهدیدات را به فرصت تبدیل کرده‌ایم که این سخن، حرف ناپخته‌ای است، بنابراین در التهابات اقتصادی اخیر ضعف مدیریت، درایت و همچنین غفلت کاملاً مشهود است.»

سیاست‌های متناقض اقتصادی در بروز چنین التهابی

نقش داشته است

وی با تاکید بر اینکه سیاست‌های نامتناسب و متناقض اقتصادی نیز در بروز چنین التهابی نقش داشته است، اظهار داشت: «به‌طور مثال در یکی از هدف‌های اقتصادی که رونق تولید است باید عواملی مانند رشد اقتصاد، افزایش اشتغال و کنترل قیمت‌ها و امثالهم با یکدیگر باشد و مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی به کار گرفته شود که اولاً عالمانه و درست و دوماً دارای سازگاری با یکدیگر باشد.» خوش‌چهره با بیان اینکه سیاست‌های تجاری، سیاست‌های پولی، سیاست‌های مالی و مالیاتی و سیاست‌های ارزی که در آن تعیین نرخ ارز بسیار مهم است، اگر منطقی و سازگار نباشد قطعاً تناقضات آن منجر به آشفتگی خواهد شد، گفت: «ما چنین چیزی را به‌وضوح در حوزه اقتصادی کشور ملاحظه می‌کنیم.»

این کارشناس مسائل اقتصادی با تاکید بر اینکه در حوزه سیاست‌های اقتصادی باید موضوع مسکن را نیز مورد توجه جدی قرار داد یادآور شد: «این حوزه در حال حاضر بسیار جای نقد و بررسی دارد.»

وی در همین زمینه اظهار داشت: «در بروز این التهابات نباید اراده و شیظنت دنیای سلطه را نادیده گرفت اما نکته مهم این است که پیش از لعن و نفرین دشمن، باید مدیریت کلان اقتصادی را نقد و بررسی کرد؛ گمانی‌کنه حتی مجلس که باید نقش برجسته و در



این کارشناس اقتصادی افزود: «در شرایطی که قطعاً تقاضای بالا و غیرمتعارف منجر به افزایش قیمت می‌شود ما شاهد عدم نظارت روی این فرآیند بودیم و قوه قضائیه نیز با یک عقب‌ماندگی زمانی وارد این حوزه شد و چند نفر را برای کاهش التهابات ناشی از مطالبات مردمی به اعدام محکوم کرد، بنابراین مشخص است چنین برخوردهای نامناسب زمانی و ناشی از عقب‌افتادگی‌های

این کارشناس اقتصادی افزود: «در شرایطی که قطعاً تقاضای بالا و غیرمتعارف منجر به افزایش قیمت می‌شود ما شاهد عدم نظارت روی این فرآیند بودیم و قوه قضائیه نیز با یک عقب‌ماندگی زمانی وارد این حوزه شد و چند نفر را برای کاهش التهابات ناشی از مطالبات مردمی به اعدام محکوم کرد، بنابراین مشخص است چنین برخوردهای نامناسب زمانی و ناشی از عقب‌افتادگی‌های

وجود اتاق جنگ داخلی و اراده برای افزایش قیمت‌ها

در جنگ اقتصادی مشهود است

وی تاکید کرد: «بند معتقد به آشفتگی‌های قیمت وجود اراده برای افزایش قیمت‌ها در این جنگ اقتصادی هستیم؛ به‌طوری‌که این حوزه در حوزه خودروسازی با سمبل قرار دادن افزایش نرخ پراید آغاز شد و در حوزه مسکن نیز ورود کرده و از این رو شاهد این التهابات در زمینه نرخ مسکن هستیم.» خوش‌چهره در عین حال افزود: «در حالی که به دلیل رکود نباید قیمت مسکن این‌گونه افزایش پیدا کند، ما شاهد افزایش قیمت‌ها بودیم که این امر نشان‌دهنده وجود اتاق جنگی در پشت‌سر این تصمیمات است که فضا را طوری مدیریت می‌کند که این شرایط ادامه یابد و از سوی دیگر غفلت دستگاه‌های نظارتی، امنیتی و قانونگذاری واضح است؛ بنابراین من معتقدم راه‌حل آن تشخیص وجود چنین حوزه‌هایی است.»

جریان نفوذ بر بستر پست‌های جناحی و صنفی سوار است

یعنی قبل از اینکه فرد نفوذکننده حمله کند، افراد ناشیاست در پست‌های مهم قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر شاهد ضعف نظارت هستیم که باعث شده این نفوذ عملیاتی شود، لذا بنده نیز به جریان نفوذ قائلم اما نمی‌توان آن را دلیل کافی برشمرد.»

وی خاطرنشان کرد: «در اینکه آمریکا با همه قدرت و اذنان خود تلاش می‌کند اقتصاد و معاش مردم ایران را مورد آسیب قرار دهد هیچ شکی نیست، اما خواب‌آلودگی و جهالت و ناشیاستگی بسیاری از افراد که پست‌های خود را به دلیل مباحث صنفی و جناحی به‌دست آورده‌اند، قابل انکار نیست.»

خوش‌چهره با ذکر مثال مبنی بر اینکه گزیدگی مار عقرب به دلیل هویت آنهاست، گفت: «وقتی مسئولان آدامگی مقابله با چنین نفوذی را نداشته‌اند و از ابزار مناسبی نیز برای مقابله با آن برخوردار نیستند، چنین شرایطی جریان نفوذ را در کار خود جری‌تر می‌کند، لذا نباید فقط این مشکل را به‌صرف وجود جریان نفوذ توجیه کرد.»

این کارشناس مسائل اقتصادی همچنین با بیان اینکه در حال حاضر التهاب اقتصادی بالاست و برخی فکر می‌کنند کار از دست خارج شده است، یادآور شد: «ما ضمن تحلیل این شرایط برای مردم باید به ارائه راه‌حل‌ها بپردازیم؛ چرا که معتقدیم راه‌حل مقابله با این التهاب همان‌طور که اشاره شد، وجود دارد.»